



دکتر سیدمحمد هاشمی

در جوامع دموکراتیک، داوطلبان حاکمیت، به منظور کسب محبوبیت و با هدف انتخاب‌شدن، به مردم وعده‌های پیشینی می‌دهند که تحقق آن در میانه میدان «پاس» و «امید» قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، آمیزش اجتناب‌ناپذیر «حساسات» و «منطق» در جامعه سیاسی واحد و تأثیرات مثبت یا منفی آن را نمی‌توان نادیده گرفت. کمال مطلوب در این خصوص، انتخابات آزاد و منصفانه و توسعه سیاسی است که همه افراد مردم، از برکت رشد فکری و درک مراتب تفاهم و همبستگی، به نحو منطقی بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش ابتکار عمل داشته باشند. از آنجا که هم‌اینک انتخابات ریاست‌جمهوری دوره یازدهم (۱۳۹۶–۱۳۹۲) برگزار شده است، بیان خواسته‌های شهروندان از رییس‌جمهور آینده به عنوان مسوول اجرای قانون اساسی منطقی و قابل قبول به نظر می‌رسد. در اندرون این خواسته‌ها که بسیار گسترده و پرشمار است، اجرای اصول معطل مانده مقرر در قانون اساسی از نامی‌توان نادیده گرفت. از جمله این موارد، فقدان قانون دادرسی منصفانه «جرایم سیاسی» مذکور در اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که به خاطر عدماستقبال لازم و کافی از «کثرت‌گرایی» و فرهنگ «هدارا» (به عنوان آب حیات دموکراسی) توسط دست‌اندرکاران نقش‌آفرین و یازدارنده، سال‌هاست که معطل مانده و تبیین و مطالبه آن در این نوشتار به ترتیب ذیل ضروری به نظر می‌رسد.

اول: قانون اساسی در مقام تنظیم قدرت و تضمین آزادی

قانون اساسی هنجار بنیادین و انتظام‌بخش یک جامعه سیاسی که در آن، ضمن تأکید ویژه بر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، به تبیین سازوکار نهادهای قوای حاکم بر جامعه پرداخته می‌شود. این قانون برتر که در مقام «تنظیم قدرت» و «تضمین آزادی» باید از ضمانت اجرای منطقی لازم و کافی برخوردار باشد، از نظر جامعه‌شناختی در میانه میدان «حقیقت» (آرمان) و «واقعیت» قابل بررسی و ارزیابی است:

۱- حقیقت این است که قانون اساسی انتظام‌بخش کلیه امور و شوون هر کشور و تعیین‌کننده روابط متعادل فرمانروایان و فرمانبرداران یک جامعه سیاسی است. التزام عملی بر این قانون مهم ابواب و منافذ استبداد را مسدود، آزادی و حرمت افراد را تضمین و زمینه تلاش برای نیل به عدالت سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند

۲- واقعیت این است که با وجود قانون اساسی در اکثر کشورهای دنیا، کمتر کشوری را می‌توان یافت که در آن بتوان شاهد احترام کامل عملی نسبت به مندرجات آن قانون بود. زیرا در آنجا که یک‌طرف‌قانون (دولت‌فرمانروا و نیرومند) با تمام اقتدار خود سرفرازی می‌کند و عرصه را بر طرف دیگر (افراد مردم) تنگ می‌کند، جایی برای برخورداری از آزادی‌ها و ابراز وجود باقی نمی‌ماند. در این روند خلیطر، مساله «تفوق و برتری قانون اساسی» و تأثیرپذیری آن از دخالت و تصرف هیات حاکمه، موضوعی مهم تلقی می‌شود که تضمین آن مستلزم دقت و مراقبت لازم و کافی از «اصل حاکمیت مردم» و مشارکت آنان در تعیین سرنوشت سیاسی خویش می‌باشد. این امر وقتی جنبه عملی به خود می‌گیرد که مردم از برکت توسعه سیاسی (رشد فکری و درک مراتب تفاهم و همبستگی) در یک فضای باز سیاسی همراه با آزادی بیان و تشکل و از طریق انتخابات آزاد و منصفانه، ابتکار عمل داشته باشند. در این ارتباط، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل حاکمیت غیرقابل سلب و انتقال انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش (اصل ۵۶)، اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی (اصل ۶) و مشارکت‌های متنوع و سرنوشت‌ساز مردم در جلوه‌های حقوقی (انتخابات/ اصول ۶۳، ۱۰۷، ۱۰۰ و ۱۴)، سیاسی (حزب‌ا و اجتماعات/ اصول ۲۶ و ۲۷) و اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر/ اصل ۸) حق مطلب را ادا نموده است.

البته، اعمال صحیح این حقوق همه‌جانبه مردمی وقتی میسر خواهد بود که جامعه به توسعه سیاسی نایل شده باشد. از جمله اصول تضمین‌کننده دموکراسی به عنوان یک امانت الهی «لَقَدْ ارسلنا رُسُلًا بِالْبَیِّنَاتِ وَاَنزَلْنَا الْکِتَابَ وَالْمِیزَانَ لِقَیْوُمَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ» استقرار حاکمیت قانون و مسوولیت اخلاقی، سیاسی و حقوقی حاکمان است که در این میان، قانون اساسی به عنوان قانون برتر، در مقام «تنظیم قدرت» و «تضمین آزادی» می‌تواند انتظام‌بخش این رابطه منطقی باشد.

دوم: مسوولیت اجرای قانون اساسی

با قبول اینکه قانون اساسی را می‌توان چراغ راهنمای جامعه سیاسی تلقی

انتظار ویژه از رییس‌جمهور آینده

ساماندهی حقوقی جرم سیاسی

نمود، پاسداری حکیمانه از این امانت مردمی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود و کوتاه‌ترین غفلت نسبت به آن می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب خیانت در امانت باشد. با درک این مراتب، پاسداری از قانون اساسی باید برعهده فرد یا نهادی قرار گیرد که دارای ریشه حقوقی کملا مردمی باشد. در این ارتباط، اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با اقتباس از اصل ۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، مسوولیت اجرای قانون اساسی را به رییس‌جمهور که باید منتخب مستقیم مردم باشد، سپرده است. آری رییس‌جمهور که پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است (اصل ۱۱۳) و در آغاز کار خود، در پاسداری از قانون اساسی، ترویج دین و اخلاقی، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت، پرهیز از خودکامگی و حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوق ملت، به ادای سوگند می‌پردازد (اصل ۱۲۱) به عنوان «همینی پارسا» عهده‌دار این وظیفه خطیری می‌باشد. علاوه بر این، سپردن این مسوولیت به رییس‌جمهور دارای دلایل توجیهی و قانونی قابل قبولی به ترتیب ذیل می‌باشد:

۱- نماینده منتخب و مستقیم مردم و یکی از مظاهر برجسته حاکمیت ملی است (اصل ۱۱۴).

۲- مورد تأیید مقام رهبری است (اصل ۱۱۰ «۹»).

۳- رییس قوه مجریه است (اصل ۱۲۳).

با این ترتیب، می‌توان وی را پس از رهبری، مناسب‌ترین مقام برای ایفای وظیفه «مسوولیت اجرای قانون اساسی» دانست. در اجرای اصل مذکور، فصل دوم (مواد ۱۳ تا ۱۶) قانون تعیین حدود اختیارات و مسوولیت‌های ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲، صلاحیت‌هایی را به ترتیب ذیل برای رییس‌جمهور بیان داشته است:

۱- نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم (ماده ۱۳).

۲- در صورت نقض و تخلف و عدم اجرای قانون اساسی، اقدام مقتضی از طریق اخطار، تعقیب و ارجاع پرونده متخلفین به مراجع قضایی (ماده ۱۴).

۳- حق هشدار و اخطار به قوای سه‌گانه (ماده ۱۵).

۴- ارایه گزارش سالانه آمار موارد توقف، عدم‌اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی همراه با تصمیمات اتخاذشده به مجلس شورای اسلامی.

ایفای مسوولیت اجرای قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای کار تاکنون بستگی به میزان جدیت روسای‌جمهور در ادوار مختلف داشته که در دوره‌های سوم (۱۳۴۴-۱۳۶۰) و چهارم (۱۳۶۸-۱۳۶۴) با تشکیل معاونت حقوقی و اجرای قانون اساسی و در دوره‌های هفتم (۱۳۸۰- ۱۳۷۶) و هشتم

واقعیت این است که با وجود قانون اساسی در اکثر کشورهای دنیا، کمتر کشوری را می‌توان یافت که در آن بتوان شاهد احترام کامل عملی نسبت به مندرجات آن قانون بود. زیرا در آنجا که یک طرف قانون (دولت فرمانروا و نیرومند) با تمام اقتدار خود سرفرازی می‌کند و عرصه را بر طرف دیگر (افراد مردم) تنگ می‌کند، جایی برای برخورداری از آزادی‌ها و ابراز وجود باقی نمی‌ماند

در این میان، غفلت یا کوتاهی احتمالی روسای‌جمهور گذشته تا حال که ضمن ادای سوگند به خداوند قادر متعال، در پیشگاه قرآن کریم و در مقابل ملت، خود را مسوول پشتیبانی از حق و گسترش عدالت دانسته‌اند (اصل ۱۲۱) و در عین حال مسوول اجرای قانون اساسی نیز بوده‌اند (اصل ۱۱۳) قابل گذشت به نظر نمی‌رسد! اینک! خطاب اندیشمندانه و عدالت‌خواهانه جامعه حقوقی ایران به رییس‌جمهور آینده که به زودی زمام امور سرنوشت‌ساز کشور را در دست خواهد داشت این است که:

اولا: به تعهد اخلاقی التزام به حاکمیت قانون که در شعار انتخاباتی به آن اشاره می‌کرد از همان آغاز کار عمل کند؛

ثانیا: بر اساس سوگندی که یاد کرده است، امین پارسا در احقاق حقوق مردم باشد؛
ثالثا: مدبرانه و آزادخواهانه نسبت به طرد و نفی خودکامگی‌های سنتی تلاش وافر کند؛
و تذکر ویژه به رییس‌جمهور آینده این است که به عنوان مسوول امتدادر اجرای قانون اساسی:
بساماندهی عارفانه و عقاقلانه دادرسی منصفانه جرم سیاسی را که می‌تواند زمینه‌ساز فضای باز سیاسی برای انتقاد سازنده شهروندان باشد، به دست فراموشی نسپارد!

سیاست

جلوه مدنی داشته باشد اصولا جرم تلقی نمی‌شود. اما اگر مخالفت‌ها اعتراضات و تعرضات، به خاطر ورود ضربه به حیات و تشکیلات حکومت، حالت مجرمانه به خود بگیرد، از آن تحت عنوان «جرم سیاسی» یاد می‌کنند. در این خصوص، کنفرانس بین‌المللی ۱۹۳۵ برای وحدت حقوق جزا که در کپنهاگ تشکیل شد، تعریفی به این شرح را پیشنهاد کرد:

«جرم سیاسی اطلاق به جرمی است که علیه تشکیلات و طرز اداره حکومت و همچنین علیه حقوق ناشی از آن برای افراد ارتکاب می‌شود» البته در جوامع کمتر توسعه‌یافته، با وجود فضای ظاهرا دموکراتیک، تحمل و مدارای مقامات حاکم نوعا آسیب‌پذیر است. این مقامات، با استفاده از قدرت پلیسی و قضایی که در اختیار دارند، مخالفان و معترضان خود را با ظواهر قانونی سرکوب می‌کنند یا راهی زندان‌های درازمدت می‌کنند. برای مقابله با این شیوه نابخسته که به عنوان یک واقعیت در جهان سوم، نمی‌توان آن را نادیده گرفت، در برخی از قوانین اساسی همچون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۱۶۸) نظام دادرسی ویژه جرایم سیاسی، با حضور «هیات‌منصفه» و با ترکیبی کملا مردمی مقرر شده است تا با این مشارکت تصمیم‌گیرانه از یکه‌تازی پلیسی و قضایی کملا حکومتی جلوگیری شود. لازم به ذکر است که در ارزیابی جرم ارتکابی، باید به انگیزه مرتکب توجه ویژه داشت. از آنجا که در جرایم سیاسی اعتراض و تعرض به مقامات و سازمان‌های حکومتی (البته با تشخیص هیات‌منصفه مردمی) اصولا می‌تواند جنبه خیرخواهانه و مردمی داشته باشد، در این خصوص، برخورد تعقیبی و قضایی منصفانه و «رفاق‌مدارانه» مورد انتظار طالبان عدالت است. با توجه به مراتب یاد شده، موضوع جرم سیاسی و ساماندهی دادرسی آن در کشور ما در دو جلوه «حقیقت» (یاد باشد) و «واقعیت» (هست) قابل بررسی و ارزیابی به نظر می‌رسد:

– حقیقت عبارت از انتظاری است که مردم ایران، با عنوان «ادرسی عادلانه و منصفانه» در تمام زمینه‌های حقوقی، کیفری، فردی، اجتماعی و سیاسی به آن فکر می‌کنند.

– واقعیت عبارت از چالش‌هایی است که نسبت به آرمان «ادرسی عادلانه و منصفانه» در مورد جرایم سیاسی، ذهن حق‌طلبان را به خود مشغول ساخته است.

با وجود آنکه اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی به جرایم سیاسی (همانند جرایم مطبوعاتی) را مستلزم حضور موثر و تعیین‌کننده هیات‌منصفه دانسته و «شرایط انتخابات هیات‌منصفه و تعریف جرم سیاسی» را موکول به تصویب قانون دانسته است، انتقاد وارده بر قوای مجریه و قضاییه در دفاع از ارایه لایحه، قومقمنته در تصویب قانون و نظارت‌های سختگیرانه شورای نگهبان در این مورد را نمی‌توان نادیده گرفت.

حاصل این کاستی، سپردن سرنوشت رسیدگی به جرایم سیاسی به دست نهادهای تعقیبی و قضایی کملا حکومتی در غیبت هیات‌منصفه مردمی است که آثار ناگوار آن نسبت به محکومان سیاسی را که نواخ در دینف منتقدان (از طریق بیان یا نوشتن مطالب) و معترضان (از طریق تظاهرات اعتراضی) قرار داشته‌اند، نمی‌توان نادیده گرفت!

در این میان، غفلت یا کوتاهی احتمالی روسای‌جمهور گذشته تا حال که ضمن ادای سوگند به خداوند قادر متعال، در پیشگاه قرآن کریم و در مقابل ملت، خود را مسوول پشتیبانی از حق و گسترش عدالت دانسته‌اند (اصل ۱۲۱) و در عین حال مسوول اجرای قانون اساسی نیز بوده‌اند (اصل ۱۱۳) قابل گذشت به نظر نمی‌رسد! اینک! خطاب اندیشمندانه و عدالت‌خواهانه جامعه حقوقی ایران به رییس‌جمهور آینده که به زودی زمام امور سرنوشت‌ساز کشور را در دست خواهد داشت این است که:

اولا: به تعهد اخلاقی التزام به حاکمیت قانون که در شعار انتخاباتی به آن اشاره می‌کرد از همان آغاز کار عمل کند؛

ثانیا: بر اساس سوگندی که یاد کرده است، امین پارسا در احقاق حقوق مردم باشد؛

ثالثا: مدبرانه و آزادخواهانه نسبت به طرد و نفی خودکامگی‌های سنتی تلاش وافر کند؛

و تذکر ویژه به رییس‌جمهور آینده این است که به عنوان مسوول امتدادر اجرای قانون اساسی:

بساماندهی عارفانه و عقاقلانه دادرسی منصفانه جرم سیاسی را که می‌تواند زمینه‌ساز فضای باز سیاسی برای انتقاد سازنده شهروندان باشد، به دست فراموشی نسپارد!

*** استاد دانشگاه شهید بهشتی**

مواظب باشید!

چ – آزادی بیان و آزادی مطبوعات و آزادی احزاب و جمعیت‌ها (اصل ۲۴ و ۲۶ قانون اساسی) و آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها (اصل ۲۷ قانون اساسی)
ح – برخورداری همگان از تامین اجتماعی از جهات مختلف (اصل ۲۹ قانون اساسی)

خ – آموزش‌وپرورش رایگان برای همه (اصل ۳۰ قانون اساسی)
د – رعایت حق دفعاع مردم در همه مراجع قضایی و در همه مراحل رسیدگی (اصل ۳۵)
ذ – منع مطلق شکنجه اعز جسمی یا روانی (اصل ۳۸)

ر – عدم تبعیض بین استان‌ها و مناطق مختلف کشور در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی (اصل ۴۸)
ز – ممنوعیت هرگونه فعالیت اقتصادی و غیر آن که باعث آلودگی محیط زیست یا تخریب آن شود.

۶-عین فهرست را می‌توان ادامه داد و یا در هر یک از پندهای آن وارد بحث و تفصیل شد که این هر دو در حوصله این مقال نیست. در عین حال ممکن است ادعا شود برخی از این اهداف و آرمان‌ها محقق شده است. در قبال این ادعا البته می‌توان مثال‌های فراوان و ادله کافی بر نفی ادعا مطرح کرد. اما قدر متیقن و حقایقی که می‌توان به آن اکتفا کرد این است که اگر هم در راستای وصول به این اهداف حرکتی شده باشد، کافی نبوده و منتهی به نتیجه نشده است.

بدیهی است وجود موانع قابل استناد و ارایه، از حمله اسکندر و اقوام غیرایرانی دیگر تا جنگ ایران و روس و حمله صدام و توطئه جهانخوازان – که به تحریم و آثار آن منجر شده – همواره وجود داشته و دارد و ظاهرا «شرایط حساس کنونی» در کشور ما همیشه وجود داشته و پایان‌پذیر هم نیست. بنابراین نامزدهای محترم ریاست‌جمهوری باید عنایت داشته باشند با آرمان‌ها و نیازها و توقعات انباشته سی‌وپنجاه‌ساله‌ی مواجهه هستند که بیش از این- نمی‌تواند و نباید جنبه آرمانی داشته باشند. زیرا مردم با آگاهی از امکانات بالقوه کشور و بر مبنای مقایسه ایران با جوامع مشابه، ناچار مطالبات به حق خود را مطرح خواهند کرد و بیشتر این خواسته‌ها موارد ملموس و مادی است و استفاده به حمله چنگیز و تیمور و صدام و دیگران هم مشکلی را حل نخواهد کرد.

نتیجه اینکه به هماهنگی مغز و جسم (یا به تعبیر دیگر حرف و عمل) نیک اندیشه کنند و پس از اطمینان از وجود آن وارد میدان شوند. والله اعلم

	۹	۶	۸		
				۶	۹
	۷			۵	۸
		۲	۴	۳	
			۲	۷	۸
۵	۱			۴	
	۸			۵	۲
		۵		۱	۶
			۳		۹
	۷	۴		۳	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۳۰

حل سودوکو ۷۲۹

۶	۲	۹	۳	۵	۷	۱	۸	۴
۳	۱	۸	۹	۲	۴	۵	۷	
۷	۵	۴	۶	۱	۸	۳	۹	۲
۵	۶	۲	۱	۸	۳	۴	۷	۹
۹	۴	۱	۷	۵	۸	۲	۳	
۸	۳	۷	۹	۴	۲	۵	۶	۱
۴	۹	۳	۲	۶	۷	۱	۸	
۱	۷	۶	۸	۳	۹	۲	۵	۴
۲	۸	۵	۴	۷	۱	۹	۳	۶

۱		۲		۵	۶	۸
۴	۵	۶	۷		۳	
		۹	۳		۴	۱
۶	۲		۵	۴		۳
			۶		۸	۷
۷			۳			۶
۹	۱	۳		۲		
۸		۴	۲		۳	۹

یادداشت

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی

وریس‌جمهور آینده



نعمت احمدی

وکیل پایه‌یک دادگستری و مشاور حقوقی

قانون اساسی ایران آزادی‌های فردی و اجتماعی را مورد حمایت قرار داده و از طرفی مسوول و ناظر اجرای قانون اساسی را نیز معرفی می‌کند، برابراصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از مقام رهبری، رییس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسوولیت اجرای قانون اساسی را برعهده دارد، یکی از اصول مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی اصل ۲۷ قانون اساسی است که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های بدون سلاح به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشند را آزاد دانسته است. حال پرسش این است؛ چرا و چگونه اصل ۲۷ قانون اساسی اجرا نمی‌شود و عملا تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را نمی‌توان آزادانه برگزار کرد. وظیفه رییس‌جمهور نسبت به اصل ۲۷ قانون اساسی چیست؟ گفتیم قانون اساسی به آزادی‌های فردی و اجتماعی توجه کرده است، اما با تاسف با قوانین عادی دامنه قانون اساسی را محدود کرده‌ایم. برابر اصل چهار قانون اساسی مصوبات مجلس نباید مخالف قانون اساسی باشند و تشخیص این امر برعهده شورای نگهبان است که برابر اصل ۹۶ قانون اساسی عدم تعارض قوانین عادی با قانون اساسی برعهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. حال باید دید با توجه به صراحت اصل ۲۷ قانون اساسی چرا و چگونه مجلس با قوانین عادی مصوب خود قانون اساسی را تحدید می‌کند و شورای نگهبان چنین مصوباتی را تأیید کرده است، قانون احزاب یکی از قوانینی است که به باور من حقوق عمومی موردنظر اصل ۲۷ قانون اساسی را زیر سوال برده است، برابر تبصره ۲ ماده ۶ قانون احزاب، برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ محل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است، سابقه این ماده ۱۰ کمیسیون احزاب نیز، ترکیبی خاص است. نماینده دادستان کل کشور نماینده شوراییالی قضایی که با حذف شوراییالی قضایی نماینده قوهقضاییه جانشین آن است و نماینده وزارت کشور و دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین داوطلبانی که از داخل مجلس و خارج آن به معرفی یکی از نمایندگان انتخاب می‌شوند، با این ترکیب کمیسیون ماده ۱۰ احزاب تشکیل شده است و سابقه این کمیسیون نشانگر آن است که به اکثر قریب به اتفاق درخواست‌ها پاسخ منفی داده است، آیین‌نامه اجرایی قانون احزاب ذیل مواد ۲۸ و بعد خود سخت‌گیری‌ها را در تشکیل اجتماعات وسیع‌تر کرده است.

برابر ماده ۲۸ برای تشکیل اجتماعات و سخنرانی‌ها در میادین و پارک‌های عمومی باید طبق ماده ۶ قانون احزاب، مجوز کتبی از وزارت کشور دریافت شود، حال مجدداً نگاهی به اصل ۲۷ قانون اساسی می‌اندازیم که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را در صورتی که سلاح حمل نشود و محل به مبانی اسلام نباشد آزاد دانسته است، چنین محدودیتی که قانون عادی در نظر گرفته و ظرف این سال‌ها با کمتر اجتماع و راهپیمایی ای حتی راهپیمایی روز جهانی کارگر مخالفت شده است به بقین محدودیت قانون اساسی به وسیله قانون عادی است، جدای از محدودیت‌های ذکرشده بحث زمان هم درخصوص برگزاری اجتماع و راهپیمایی هم قابل‌توجه است. ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی قانون احزاب مقرر می‌دارد: تقاضای برگزاری راهپیمایی و اجتماعات باید یک هفته قبل از انجام راهپیمایی کتبا و حضوراً توسط نماینده رسمی و معرفی‌شده گروه به وزارت کشور تسلیم شود و در مورد راهپیمایی‌هایی که به مناسبت‌های غیرقابل پیش‌بینی ضرورت دارد، تشخیص وزارت کشور شرط است، با این شیوه قانونگذاری که خلاف صراحت قانون اساسی است، همه سرنوشت راهپیمایی‌ها برعهده وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گذاشته شده است حال اینکه نفس اجتماع و راهپیمایی ایجاب می‌کند که تنها محدودیت موردنظر قانون اساسی یعنی حمل سلاح و محل به مبانی اسلام مانع از تجمع شود، وظیفه رییس‌جمهور جدای از نظارتی که برابر اصل ۱۱۳ قانون اساسی دارند از باب اینکه صدور مجوز با وزارت کشور است و وزیر کشور عضو کابینه و منتخب رییس‌جمهور است بیشتر می‌شود نگارنده سفری به استانبول ترکیه داشتم و اتفاقا هتل محل اقامتم در حاشیه همین میدان تقسیم بود.

در طول روز گروه‌های مختلف چنددمنفری و حتی چند نفری با پرچم در حاشیه میدان یا خیابان‌های منتهی به میدان تقسیم بدون اینکه مزاحمت تفریقی به وجود آورند با تجمع یا راهپیمایی خواسته‌های خود یا گروه و حُرشنان مطرح می‌کردند و در موارد مختلف پلیس هم حضور نداشت، حتی حزب کمونیست را هم دیدم که در وسط میدان با در دست داشتن عکس کشته‌شدگان خود تجمع کرده بودند. در سایر کشورها هم وضع به همین ترتیب است، قانون اساسی ما هم در واقع صراحت و روح آن چنین برداشتی دارد. این محدودیت اجتماع و راهپیمایی موردنظر قانون‌اساسی نیست و حتی قانون عادی هم که به باور من مغایر و مخالف قانون اساسی است، ممنوعیت و محدودیت فعلی حاکم بر اجتماع و راهپیمایی را بیان نمی‌کند. آنچه وضع موجود را پیش آورده نظر و دیدگاه رییس‌جمهور است که چگونه با راهپیمایی و اجتماع برخورد داشته باشد. ممکن است گفته شود ترکیب کمیسیون ماده ۱۰ احزاب به‌نفع رییس‌جمهور و وزارت کشور نیست و اکثریت با دو قوه دیگر است که قوهقضاییه دو نماینده و قوهمجریه هم دو نماینده دارد این در مورد راهپیمایی‌ها صدق می‌کند اما درخصوص صلاحیت وزارت کشور در تشخیص برگزاری راهپیمایی می‌توان از مفاد تبصره ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی سود برد و در مورد راهپیمایی‌ها و اجتماعاتی که به مناسبت‌های غیرقابل پیش‌بینی تقاضا می‌شود تنها وزارت کشور را مرجع صالح دانست و نیازی به مراجعه به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب که ترکیب آن بیشتر به نفع قوای قضاییه و منتهه است رجوع نکرد.

آنچه مهم و قابل بحث است تا هم‌اکنون قانون احزاب محدودیت راهپیمایی و اجتماعات را در نظر داشته است و با این تفسیر وضع راهپیمایی و اجتماع در ایران سرنوشتی مبهم دارد که خلاف اصل ۲۷ قانون اساسی است. توقع از فردی که از فردای ۲۴ خرداد قیای ریاست‌جمهوری را بر تن می‌کند این است که نیم‌نگاهی به قانون اساسی داشته باشد و قوانینی که در عمل و اجرا محدودیت‌هایی برای قانون اساسی به‌وجود می‌آورند را با تهیه لوایح مناسب برطرف کند و چشم‌انتظار آن باشیم که تنها حمل سلاح و مخالفت با مبانی اسلام که خواسته همه است مانع تجمع و راهپیمایی باشد و پذیرفته نیست در کشوری که اسان انقلاب آن با راهپیمایی‌ها صورت گرفت محدودیت راهپیمایی و اجتماع در آن به حدی باشد که در طول سال شاهد اجتماع و راهپیمایی غیرعولتی نباشیم.